

## احمق کیست؟

آیه حفظی: مزامیر ۵۳: ۱

خواندن کلام خدا: مزامیر ۱۴: ۱-۷

**هدف:** اینست که از وجود خدا و عملکرد او در زندگی خود آگاه شویم و به دعوت او جواب مثبت دهیم.

**مقدمه:** مزامیر ۱۴ درباره شخصیت و رفتار یک ایتیتست شرح می دهد و به مزامیر ۱۰ و ۱۲ اضافه می کند. این سه مزامور، ایتیتست های شیرین را به تصویر می کشد. مزامیر ۱۰ افکار تکبر آمیز آنها را وصف می کند. مزامیر ۱۲ سخنان فریبنده آنها را توصیف می کند و مزامیر ۱۴ اعمال فاسد آنها را شرح می دهد. ماهیتی که آنها دارند و سخنانی که می گویند و اعمالی که انجام می دهند، از اعتقاد جاهلانه و متکبرانه آنها سرچشمه می گیرد که ادعا می کنند، خدایی نیست.

**احمقان وجود خدا را انکار می کنند و فاسد می شوند.** (آیه ۱-۳)

واژه عبری احمق، نبال است که در آیه ۱ استفاده شده است. نبال یعنی شخص بی شعور، پست، دمنش و کسی که مثل حیوان است. نبال در کتاب مقدس اسم شخص پست و دمنشی بود که از کمک کردن به داود نبی امتناع کرد. اول سموئیل ۲۵: ۳

**چرا او احمق نامیده می شود؟** زیرا " احمق در دل خود می گوید که خدایی نیست. کارهای خود را فاسد و مکروه ساخته اند و نیکوکاری نیست." (آیه ۱). او اعتقاد ندارد که خدا زمین و آسمان را آفریده. او باور ندارد که خدا انسان را آفریده است. چارلز داروین گفت که انسان یک حیوان تکامل یافته است. سیگموند فروید تعلیم داد که انسان یک کودک لوس و خراب شده است. کارل مارکس اعتقاد داشت که انسان یک فاکتور اقتصادی است.

**سوالاتی که از ایتیتست و اگناسیتیکها باید بپرسیم:** بدون خدا، شعور و اخلاق خود را از کجا بدست آوردی؟ فرق بین جسد مرده و انسان زنده در چیست؟ روح و روان خود را از کجا دریافت کردی؟ اگر روز جزا و خدا نیست، پس چرا قتل نمی کنی و به زنان تجاوز نمی کنی؟ وجدان خود را از کجا دریافت کردی؟ اگر خدا نیست پس زندگی چه معنا و مفهومی دارد؟ جهان و خلقت از کجا بوجود آمد؟ بیگ بنگ و یا انفجار؟ انفجار را چه کسی انجام داد؟ آیا خود بخود انفجار رخ داد؟ آیا بدون شخص عامل انفجاری می تواند رخ دهد؟ اگر خدا نیست، پس چرا همه امتهای دینی برای پرستش خدا دارند؟ آیا همه دنیا در اشتباه هستند و فقط شما راست می گویند؟

کلام خدا می گوید که خدا انسان را شبیه خود آفرید و در بینی وی روح حیات را دمید و انسان موجود زنده شد. پیدایش ۱: ۲۷ و اشعیا ۴: ۱۱-۱۲

**آیا ایتیتست ها کم هوش هستند؟** کسانی که می گویند "خدایی نیست" لزوماً فاقد هوش نیستند، در واقع می توانند مانند دیگران هوشمند باشند، اما واقعیت اینست که آنها فاقد حکمت الهی می باشند (اول قرنیتیان ۲: ۱۴). احمق نبال مشکل هوشی در سر ندارد، بلکه مشکل اخلاقی در دل خود دارد. بیلی ساندی مبشر آمریکایی گفت، "گناهکاران در جستجوی خدا نمی باشند، همانطوریکه یک مجرم در جستجوی پلیس نیست."

**ترجمه اصلی "خدایی نیست" در آیه ۱** در زبان عبری "خدا نه" است. یعنی احمقان نه تنها می گویند، "خدایی نیست" بلکه آنها در دل خود به خدا نه می گویند. هنگامیکه به خدا نه می گوئیم، در واقع می گوئیم که ما بیشتر از خدا درباره زندگی اطلاعات داریم. می گوئیم که قدرت و توانایی ما بیشتر از خداست. و با چنین اعتقادی تمامی برکاتی که خدا می خواهد به ما بدهد، از خود منقطع می کنیم.

آنها عمداً به خدا نه می گویند. احمقان نبال در نظر خود عادل هستند و نیازی به خدا ندارند. آنها آنچنانکه دوست دارند، می خواهند زندگی کنند. مشکل آنها جهالت عمدی است و نه فقدان هوش. (دوم پطرس ۳: ۵). چنین اعتقادی پیامد بدی را هم در شخصیت و هم در رفتار آنها بوجود می آورد. انکار کردن و نه گفتن به خدا در نتیجه دست به دست هم دادن تمامی وجود انسان بوجود می آید:

- ۱- دل (آیه ۱) " احمق در دل خود می گوید که خدایی نیست."
- ۲- ذهن (آیه ۲ و ۴) " خداوند از آسمان بر بنی آدم نظر انداخت تا ببیند که آیا فهیم و طالب خدایی هست؟... آیا همه گناهکاران بی معرفت هستند که قوم مرا می خورند چنانکه نان می خورند؟ و خداوند را نمی خوانند؟"
- ۳- اراده (آیه ۳) " همه روگردانیده، با هم فاسد شده اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی."

### چگونه احمق وجود خدا را انکار می کند؟

- ۱- کلام خدا را می شنود ولی نافرمانی می کند. متی ۷: ۲۴-۲۷
- ۲- خدا را در نقشه و برنامه های خود جا نمی دهد. لوقا ۱۲: ۲۰
- ۳- نمی خواهد نجات پیدا کند و راهی بهشت شود. متی ۲۵: ۲
- ۴- خود را در ظاهر مؤمن نشان می دهد، اما باطن او پر از نجاسات است. لوقا ۱۱: ۴۰
- ۵- موعظه صلیب و مرگ عیسی مسیح را خوار می شمارد. اول قرنتیان ۱: ۱۸
- ۶- شریعت را به انجیل مسیح اضافه می کند. غلاطیان ۳: ۳

با انکار کردن خدا و گفتن نه به او، احمقان تمامی شخصیت باطنی یعنی دل، ذهن و اراده خود را فاسد و فاسدتر می کنند.

### عادلان به خدا پناه می برند و شادمان می شوند. (آیه ۵-۶)

۱. عادلان حماقت صلیب را تحمل می کنند. احمق اغلب برای خشنود کردن مردم به خدا نه می گوید اما برای اینکه ما بتوانیم خدا را خشنود کنیم باید حاضر باشیم که در نظر مردم حتی احمق و جاهل شویم تا خدا جلال پیدا کند. پولس رسول برای اینکه عده زیادی را به مسیح هدایت کند، مورد مسخره فریسیان قرار گرفت و خود را ذلیل ساخت، اما با کاری که کرد بسیاری از مردم ایمان آورده، نجات یافتند (اول قرنتیان ۴: ۱۰). اگر مردم ما را بخاطر بشارت دادن، مسخره کنند و ما را جاهل بدانند، باید حاضر به تحمل آن باشیم.

۲. عادلان به دعوت خدا بله می گویند. اگر برکات خدا را می خواهید باید در هر کاری به او بله بگویید. تمامی وعده های خدا در عیسی مسیح نسبت به ما بلی است. " زیرا چندانکه وعده های خدا است، همه در او بلی و از این جهت در او امین است تا خدا از ما تمجید یابد." دوم قرنتیان ۱: ۲۰

خداوند در کلام خود وعده ها زیادی را به ما داده و به ما گفته است، "بله، من تو را با خون خودم خریدم و تو را فرزند خودم کرده ام. بله، من به تو روح خود را عطا کردم تا تو را به تمامی راستیها هدایت کند. بله، خدای من تمامی نیازهای شما را در مسیح عیسی رفع خواهد کرد. بله، من برای شما مکانی در بهشت حاضر کرده ام. بله، من دوباره بازگشت کرده تو را با خود خواهم برد تا جایی که من هستم تو نیز باشی. بله، تو با من در دوره هزاره سلطنت خواهی کرد. بله، تو را حاکم شهرها خواهم ساخت.

خداوند به ما بله می گوید بنابراین ما نیز نیاز داریم که به او بله بگوییم. او ما را فرزندان خود کرده است و چنانکه هر پدري قاعده و قانونهایی را برای خانواده خود می گذارد، پدر آسمانی ما نیز قانون و احکامی را به ما داده است و باید به آنها بله بگوییم. احکام خدا گران و سخت نیست تا نتوان آنها را انجام داد. احکام او مانند احکام غیر منطقی مذاهب نیست که اگر نماز و روزه خود را از دست دهیم برای جبران آن باید ۶۰ برابر نماز و روزه قضا داشته باشیم و یا غیره. متی ۱۱: ۲۸-۳۰

ما از خدا متولد شده ایم و او را دوست داریم و محبت خود نسبت به او را از طریق اطاعت از احکام او نشان می دهیم. دی ال مودی همیشه می گفت، "هر کتاب مقدس باید جلدی از چرم کفش داشته باشد." ما برده نیستیم که از ارباب خود اطاعت کنیم بلکه ما فرزندان هستیم که از پدر خود اطاعت می کنیم. نمونه ای از احکام خدا عبارتند از:

- ۱- یکدیگر را محبت کنید. یوحنا ۱۳: ۳۴
- ۲- دشمنان خود را محبت کنید. متی ۵: ۴۴
- ۳- بارهای همدیگر را حمل کنید. غلاطیان ۶: ۲
- ۴- مقدس باشید. اول پطرس ۱: ۱۶
- ۵- حکم اعظم را نگه دارید. متی ۲۲: ۳۶-۳۹
- ۶- مأموریت بزرگ را بجا آرید. متی ۲۸: ۱۹-۲۰

**دعوت خدا از انسانها.** خداوند در طلب کسی است که بتواند مردم را به راه راست عیسی مسیح هدایت کند. زمان حزقیال، کاهنان و پیامبران دروغین از تصمیمات شیرانه پادشاه خود حمایت می کردند و مردم را تشویق می کردند که بجای راستی دروغ بگویند. آنها فکر می کردند که خداوند هرگز اجازه نخواهد داد که شهر مقدس خود، یعنی اورشلیم بدست امتهای افتاده، نابود شود. اما این چیزی بود که خداوند برای آن نقشه کشیده بود. خداوند در طلب یک نفر بود تا بتواند دیوار را بنا کند و از آنجا نهبانی دهد و از حمله دشمن جلوگیری کند، اما کسی پیدا نشد که به خدا بله بگوید و برای عدالت و راستی بایستد. حزقیال ۲۲: ۳۰

خداوند در جستجوی ۱۰ نفر مرد صالح بود تا شهر سدوم و غموره را از نابودی نجات دهد اما یافت نشد. خداوند دنبال یک شخص صالح بود که اورشلیم را از هلاکت نجات دهد اما کسی یافت نشد. (اشعیا ۵۹: ۱-۴ و ۱۶). خداوند امروز هم در طلب شخص صالح است که برای جلوگیری از حمله دشمن (شیطان) دیواری بسازد.

**خاتمه:** احمقترین چیز اینست که خدا را در زندگی خود انکار کنیم و به احکام او نه بگوییم. اگر چنین کنیم، منبع حیات و برکات خدا را از زندگی خود منقطع خواهیم کرد. اشتباه نکنید، به سوی خدا بازگشت کنید و مطیع او شوید و به احکام او بله بگویید، تا خدا از شما استفاده کند و برکت دهد. اشعیا گفت، لبیک خداوندا، مرا بفرست. آیا می خواهید به خدا لبیک بگویید و خادم او شوید؟ اگر چنین کنید و به او خدمت کنید، خداوند پاداش فراوانی به شما خواهد داد که تا ابدالابد از آنها استفاده خواهید کرد. مکاشفه ۲۲: ۱۲